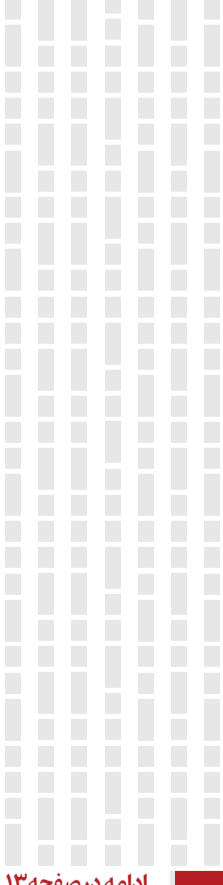
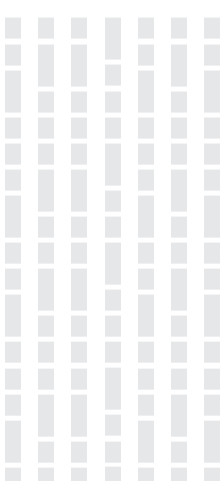


یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۲
شماره ۴۰۹۳

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



ادامه در صفحه ۱۳

برنامه برمودا توانسته با گفت‌وگو مزیت‌هایی برای تلویزیون ایجاد کند

طرح تحول از نیویورک آمد



ماطفه جعفری خبرنگار گروه فرهنگ

قارمان جایی در شرق ترین نقطه تهران است، سرما آن چنان به جان آدمیزاد نفوذ می‌کند که فقط دلم می‌خواهد زودتر برسم تا شاید گرمای گفت‌وگو این سرما را کم کند. این روزها برنامه برمودا از شبکه نسیم با اجرای کامران نجف‌زاده درحال پخش است، برای اینکه از حال و هوای برنامه بیشتر خبردار شویم، هماهنگ کردیم تا هم پشت‌صحنه برنامه را ببینیم و هم بتوانیم گپ و گفتی با عوامل برنامه داشته باشیم.

در سفیدرنگ را که باز کردم، سوله بزرگی جلوی رویم دیدم و انتهای سوله دکور برنامه با آن رنگ آبی فیروزه‌ای چشمک می‌زد و ناخودآگاه نظر را جلب می‌کرد. جلوی دکور منتظر شدم تا تهیه‌کننده برسد و همان‌جاگفت‌وگو را شروع کنیم. قارمان برای یکی از ضبط‌ها بود اما چون میهمان این ساعت سرما خورده بود و نرسید؛ تا ضبط بعدی هم چند ساعتی فاصله است. سرمای بیرون در سوله هم هست و در چند جای آن بخاری‌هایی گذاشته شد تا فضا را گرم کند، سرگرم دیدن کتاب‌های داخل دکور هستم که محسن نجفی تهیه‌کننده برنامه می‌رسد و بعد از سلام و علیک همان دکور را برای نشستن انتخاب می‌کنیم و اول به سراغ ایده برمودا می‌روم که منظور به این ایده رسیدند؟ و می‌گوید: «آقای نجف‌زاده که از آمریکا برگشت، ایده‌ای به نام اتاق مخفی در ذهن او بوده و مکتوب هم کرده بود. ایده خوبی بود. منتهی به جهت تولید، یک‌سری سختی‌ها و پیچیدگی‌ها وجود داشت که باید رفع می‌شد. چند ماه صحبت کردیم و تغییراتی در طرح اولیه دادیم و به برمودا رسیدیم که به این شکل شاهد هستیم. اسم برنامه عجیب و غریب بود و ابتدا به‌نظر می‌رسید در تلویزیون نشدنی باشد. ولی شخصی آقای دکتر خوشرو مجوز را صادر کرد و برمودایی شد که می‌بینید.»

یکی از قوت‌های یک تاک شو، میهمانان آن است و برای همین از انتخاب میهمانان برنامه و اینکه بر چه اساس و تصمیمی انتخاب می‌شوند، می‌پرسم و می‌گوید: «در مرحله اول برایمان مهم است که چهره شناخته‌شده و سرشناسی باشد. در مرحله دوم، اینکه مردم ذهنیت و خاطره‌ای با او داشته باشند، چون همین خاطره باعث می‌شود مخاطب منتظر شنیدن یک سری نکات از سوی میهمان باشد. البته اینکه صرفا مردم او را می‌شناسند باعث دعوت نمی‌شود. ممکن است مردم یک نفر را بشناسند اما چیزی برای گفتن نداشته باشد. یکی دیگر از نکات این است که همه دسته‌بندی‌ها را دربرگیرد یعنی از جهان ورزش، سیاست، هنر، ادب، شعر، موسیقی و… بتوانیم میهمان داشته باشیم. نمی‌خواهیم ظرف خود را به یک‌سری میهمان خاص محدود کنیم. بچه‌ها رعایت می‌کنند یعنی اگر ببینیم وزن هنری‌ها بالا می‌رود حتما سراغ ورزش می‌رویم. اگر ببینیم این دو تراز شد سراغ سیاسیون و دیگر حوزه‌ها می‌رویم ولی حتما می‌خواهیم چهره‌ها سرشناس باشند. مگر اینکه جلوتر برویم و بیشتر جا بیفتند و وضعیت تغییر کند.»

این حرف‌ها یعنی برای برنامه چشم‌اندازی را درنظر گرفته‌اند که برنامه بعد از مدتی برای همه ملال‌کند شده و به بزندی تبدیل شود. این را می‌پرسم و نجفی تأیید می‌کند و می‌گوید: «آن زمان می‌توان سراغ چهره‌هایی رفت که وقت پیدا شدن‌شان باشد یعنی مردم شاید ظاهرآ آنها را نشناسند، اما اسمی از آنها شنیده باشند و گوینم کسی که سال‌ها از او شنیده‌اید این است. مثلا آقای علالدین کسی است که مردم اسم او را شنیده‌اند و شاید برخی فکر می‌کنند چراغ علالدین است، درحالی‌که این شخصیت حقیقی و حقوقی است که زندگی می‌کند و خیلی خدمات و کارهای زیادی داشته است. آن روزی که سراغ این چهره‌ها برویم حتما از این دسته هم دعوت می‌کنیم. کلی نخیه، دانشمند در کشور داریم که مردم به اندازه چهره‌های سرشناس آنها را نمی‌شناسند ولی حرف برای گفتن کم ندارند. حتما سراغ آنها نیز خواهیم رفت.»

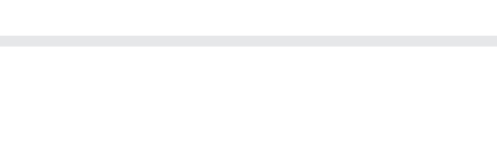
بین گفت‌وگویی که داریم، بچه‌های پشت‌صحنه درحال رفت‌وآمد هستند تا صحنه را آماده میهمان بعدی کنند، سوال بعدی را از سختی‌های

کار در تلویزیون می‌پرسم و نجفی مکتبی می‌کند و از چه منظری می‌پرسد و می‌گوید: «مختصات تلویزیون چیزهایی با خود می‌آورد که شما به‌عنوان تهیه‌کننده باید آنها را رعایت کنید ولی حتما سختی‌هایی دارد.» و نجفی باز هم مکتب می‌کند و می‌گوید: «بستگی دارد این سختی را چطور تفسیر کنیم. زمانی تعداد آرا یا اختلاف سلیقه تیم تولید یا تلویزیون سختی می‌شود. تشخیص تهیه‌برنامه‌ساز یک شکل و یک فرم، یک میهمان و یک سوال است که تشخیص تلویزیون که مالک و سفارش‌دهنده است، چیز دیگری است. برای همین سختی دیده می‌شود که اختلاف سلیقه است و در همه فضاها هم وجود دارد. به‌نظر من یکی از پیچیده‌ترین سختی‌ها برای تهیه‌کننده در تیم تولید در هر جایی، نه صرفا تلویزیون، این است که بتواند این نظرات را تجمیع کند، این اختلاف سلیقه‌ها را پوشش دهد که به یک نظر واحد برسد؛ این سختی کار است. این اختلاف سلیقه باعث می‌شود که مثلا شما تمایل دارید فلان کار را انجام دهید و آنها قبول نمی‌کنند. شما دوست دارید فلان چیز را پخش کنید و تلویزیون می‌گوید مصلحت نیست، خط مشی شبکه این نیست، قرار شبکه با بیننده این نیست. اینها جزء سختی‌های کار است. یکی دیگر از سختی‌هایی که همه تهیه‌کننده‌ها به شما خواهند گفت مساله مالی است. به‌شدت این روزها پول کم است و تهیه‌کننده‌ها به‌شدت معضلات مالی دارند. کمبود بودجه وجود دارد و در تاملین مایحتاج اولیه یک برنامه را تهیه‌های تولید آن برنامه واقعا با مشکل روبه‌رو هستیم؛ هر چند مدیران شبکه تلاش می‌کنند ماجرا را مدیریت و پشتیبانی کنند ولی آنها هم با معضلاتی روبه‌رو هستند و مشکلاتی دارند. امیدوارم این نیز حل شود.»

نجفی می‌خواهد ادامه بدهد که بچه‌های پشت‌صحنه ساعت ضبط بعدی را با او چک می‌کنند و حرفش را ادامه می‌دهد و می‌گوید: «این مدت وقتی بودجه سازمان و آنچه روی‌گذاخت بیان می‌شود خیلی کم هستند، افرادی که از این بودجه دفاع می‌کنند، کسانی که این مطلب را می‌خوانند، بداندند که ما برای کار، واقعا شبانه‌روز مشخص نداریم، بچه‌های برنامه‌ساز تلویزیون همین‌طور هستند. بچه‌های فنی تلویزیون همین‌طور هستند. دستمزد عوامل و بچه‌های ما در دیرترین زمان ممکن به آنها پرداخت می‌شود. حداقل دستمزد را دارند. شاید حرف من خیلی باورکردنی نباشد ولی ۴۰-۵۰ نفری که پشت‌صحنه ما هستند تا امروز که این تعداد برنامه ضبط کرده‌ایم حداقل دستمزد را گرفته‌اند و بیشترین میزان زحمت را کشیده‌اند. شما رسانه‌ای هستید و می‌دانید پنجشنبه، جمعه، عاشورا، تاسوعا، ۲۲ بهمن، عید نوروز و دیگر مناسبت‌ها برای ما معنی ندارد و همیشه باید سرکار باشیم و این به نوعی ظلمی است که در حق بچه‌های رسانه به جهت دستمزد می‌شود. عنوانی که کامران نجف‌زاده دارد و فکر می‌کنند چه دستمزدی می‌گیرد ولی در واقعیت این‌طور نیست. این آدم با این توانایی‌ها هر جای دیگر بود می‌توانست خیلی بهتر پول دربیآورد. ولی خود را در اختیار گذاشته، وقف تلویزیون و بیننده کرده که خوراکی به بیننده بدهد، شبی ۳۰-۵۰ دقیقه حال بیننده را خوب کند و بعدا چیزی از او در فضای مجازی چرخیده یک لبخندی به صورت بیننده بیآورد.»

وقتی صحبت از پول و هزینه در تلویزیون می‌شود، ناخودآگاه شبکه نمایش خانگی و پول‌هایی که در آن خرج می‌شوند، به ذهن می‌آید؛ سوال بعدی من در همین مورد است و اینکه چرا نخواستند برنامه را در شبکه نمایش خانگی راه‌اندازند؟ می‌گوید: «به آقای نجف‌زاده خیلی پیشنهاد شده است که بیایند و اینجا کار کنند و من همچنان معتقدم میزان مخاطب تلویزیون بیشتر است. جنس تیم ما و آقای نجف‌زاده برای این برنامه و حال‌ما هم با تلویزیون بهتر بود. این‌طور نیست که آنجا پول فراوان باشد و مشکلی نباشد. هم از نظر مالی و هم محتوایی است و شاید عرق بیش از حد ما به تلویزیون و دوست داشتن آن باعث شده ما اینجا باشیم. رفقای ما اینجا بودند، در اینجا بزرگ شدیم و احساس کردیم الان که می‌توانیم کاری در تلویزیون انجام دهیم، معرفی هم نگاه کنید باید تلویزیونی کار کنیم.»

از تعداد قسمت‌هایی که ضبط کردند می‌پرسم و می‌گوید: «تا الان ۲۹



همچون «گفت‌وگوی تنهایی» با اجرای علی میریزانی نشان داده‌اند که یک مجری حرفه‌ای اساسا می‌تواند بدون حضور در قاب تصویر هم یک تاک‌شو موفق و دوست‌داشتنی را هدایت کند.»گفت‌وگوی تنهایی» مصداق قالب تهریمی از یک تاک‌شو حرفه‌ای در موضوع خودش بود که با وجود بی‌په‌ر بودن از حضور فیزیکی مجری و همچنین پخش از یک شبکه‌کم مخاطب توانسته بود به درستی مخاطب خود را شناسایی کرده و پای یک گفت‌وگوی متفاوت و پرکشش بنشاند. مجری یک تاک‌شو موفق باید بیشتر از ملاک‌های ظاهری، شخصیتی کاریزماتیک داشته باشد و بعد از آن تسلط کافی بر موضوع برنامه برای یک گفت‌وگوی جذاب تعیین‌کننده است. او باید بتواند با میهمانان به خوبی ارتباط برقرار کند تا گفت‌وگو را به سمتی جذاب هدایت کند و فنون مصاحبه را به خوبی بشناسد تا بتواند سوالات چالشی را در لحظاتی طلایی برسرده و در عین حال احساس امنیت خاطر به میهمانش بدهد. تجربه احسان علیخانی در «ماه عمل»، فرزاد حسنی در «کوله‌پشتی» و رضاشیدپور در «مثلث شیشه‌ای» مصادیقی از تاک‌شوهایی هستند که بر تسلط و جسارت مجری‌های‌شان استوار بودند.

در اولویت‌های اصلی برای تولید یک تاک‌شو خوب، میهمان هم به اندازه مجری، مهم و تأثیرگذار است. میهمانی که از بیانی شیوا برخوردار است و اجازه می‌دهد گفت‌وگویی روان بین او و مجری برنامه شکل بگیرد. برای انتخاب میهمان یا شهرت و محبوبیت او مورد توجه است و یا برخورداری از تجربه-توانمندی خارق‌العاده که جذابیت کافی برای مخاطب را داشته باشد.

در مدلی که بر اساس شهرت و محبوبیت میهمان استوار است می‌توان به تاک‌شوهای «دو‌شات» یا اجرای علی میریزانی و «کافه آپارات» یا اجرای فریدون جبرانی اشاره کرد که با دعوت از چهره‌های مشهور و

قسمت ضبط کرده‌ایم، یعنی نصف راه را رفته‌ایم و در کل ۵۲ قسمت داریم. فکر می‌کنم تا از دویزبشت ماه سال بعد هم ضبط خواهیم داشت.

احتمالا نیمه خرداد فصل یک تمام می‌شود.»

وقتی می‌گوید فصل یک، برایم جالب می‌شود که انگار در ذهن‌شان فصل‌های بعدی هم بوده است و نجفی با خنده‌ای که روی لبش نشست،

می‌گوید: «اگر سازمان بخواهد و مردم هم دوست داشته باشند، می‌سازیم.»

وقتی برنامه در قاب تلویزیون می‌آید، حتما بازخورد از مردم هم مهم می‌شود؛ در مورد بازخوردهایی که بعد از پخش این قسمت‌های برنامه داشته‌اند، می‌پرسم و می‌گوید: «بچه‌های ما و یک‌سری از بچه‌های یکی از برنامه‌های تلویزیون به صورت مستند با دوربین رفته بودند و ضبط کرده بودند، بدون کات در خیابان رفتند و خیلی تصادفی از مردم درباره برنامه پرسیده بودند. جامعه آماری ۷۰-۸۰ نفری اعم از راننده تاکسی، کسی که در دکه نشسته، کسی که کنار خیابان هست، در اتوبوس و…، گفته بودند برمودا را می‌بینید؟ برای تعدادی کلمه برمودا آشنا بود و گفته بودند می‌بینیم و تعدادی گفته بودند مثلث برمودا؟ تعدادی گفته بودند همین برنامه که نجف‌زاده است؟ تعدادی گفته بودند بله و مثلا قسمت آقای حیاتی را دیدم، این برای دوهفته قبل است. تصاویر را بچه‌ها به من دادند و دیدم. آن زمان ۱۰ قسمت پخش کرده بودیم. اسم جا افتاده بود و دیده شده بود و دیدیم مردم واقعا می‌بینند. ما ساعت هشت پخش داریم. برای ما هم جالب بود که به این سرعت دیده می‌شود. یکی از ملاک‌هایی که شاید ملاک درستی نباشد ولی این روزها ممکن است مدنظر باشد؛ پیچ‌ما در اینستاگرام در عرض یک ماه به ۵۰کا فالوور رسید. اینها هم باحال بود.»

حرف‌هایش که تمام می‌شود، می‌گوید: «فضای مجازی خیلی مهم است.

در عین حال که باید به آن توجه داشت باید نسبت به آن بی‌توجه هم بود.

نمی‌توان از کنار این به‌راحتی گذشت.» نجفی تأییدی می‌کند و می‌گوید:

«اسم آن درست است، یعنی مجازی است. ۵۰کا فالوور داشتیم، ویدئوی

آقای حیاتی ۵ میلیون ویو خورده، ویدئوی آقای تاج‌که قسمت یک بود،

میلیونی ویو خورده است.»

شاید یکی از ویژگی‌های تاک‌شوها این باشد که بخواهد مخاطبش را غافلگیر کند، از شگفتانه برای مخاطب در برنامه می‌پرسم و نجفی می‌گوید: «اگر از نظر میهمان بگویید، همه اینجا شگفتانه و بایزه‌اند. اما در دل گفت‌وگوها شگفتانه داریم ولی اینکه بگوییم یک میهمان داشته باشیم که خیلی برتکراند نیست ولی میهمان‌هایی داریم که برای اولین بار است. این حتما شگفتانه است. اینکه بگوییم فالانمی میهمان ماست و مردم اگر متوجه بشوند این هست تعجب می‌کنند، نه این‌طور نیست.»

نزدیک به ضبط میهمان بعدی‌شان می‌رسیم برای همین می‌گویم سوال

آخر را می‌پرسم که بازخوردی از مدیران سازمان در مورد برنامه دارید؟ و

می‌گوید: «این را صادقانه جواب می‌دهم و شما هم درست بنویسید. کلا

مدیران سازمان وقتی کاری خوب است و درست پیش می‌رود بیشتر

سکوت می‌کنند. اگر خدای ناکرده تیم تولید و برنامه‌ساز اشتباهی کند

حتما واکنش می‌دهند؛ البته آقای خوشرو، آقای لنگرودی، برخی مواقع

تشویق‌هایی می‌کنند. شاید تشویق‌هایی می‌شود ولی کم به ما منتقل

می‌کنند اما همین که سکوت است علامت رضاست.

آقای خوشرو، آقای لنگرودی، مدیران شبکه برای پشت‌صحنه آمدند

ولی هنوز فرصت نشده آقای جبلی تشریف بیآورند. آقای جلیلی خیلی

درگیر هستند و شب عید است و معضلات بچه‌های تلویزیون خیلی

زیاد است. چند بار قرار بوده ولی نشده و ضبط ما هماهنگ نبود چون

هفته‌ای یک روز ضبط می‌کنیم؛ یکی در روز بیشتر ضبط نیست و برای

همین هماهنگی سخت است. ولی حتما خواهند آمد. پروژه قبلی که

ضبط کردم آقای جلیلی سر ززند و مدیران هم آمدند.»

حرف‌مان تمام می‌شود و رفت و آمدها در دکور بیشتر شده تا همه چیز

را برای میهمان بعدی که یک هنرمند است، آماده کنند. هوای بیرون

همچنان سرد است اما نقطه‌ای در شرق تهران که میزان گفت‌وگو شده

است، گرمای گفت‌وگو را به فضا هم کشانده و انگار آن سرما خیلی به

چشم نمی‌آید.

^[1] برنامه برمودا توانسته با گفت‌وگو مزیت‌هایی برای تلویزیون ایجاد کند

^[2] برنامه برمودا توانسته با گفت‌وگو مزیت‌هایی برای تلویزیون ایجاد کند